

میدون و سوفیا

حلقه گمشده داروین در ایران کشف شد



► **پوریا عالمی**

● سوفیا... عشقم... ماجرای املاک نجومی بود که دم انتخابات ریاست‌جمهوری سر ما را گرم کردند باهاش...

– خب؟

– خب و خیار، هیچی، فقط سر ما گرم شد باهاش. این خبر را گوش کن تا ببینی بعد از گذشت این‌همه وقت انکار توی بیت‌حلبی برای ما ساز زده بودند: «معاون نظارت شورای شهر تهران از عدم جدیت شهرداری تهران در بازپس‌گیری و قانونمندکردن سه هزار ملک شهرداری انتقاد کرد. این املاک، اموال بیت‌المال است که در اختیار شهرداری قرار دارد و منفععت آن نیز باید به شهر و شهروندان می‌رسید که این اتفاق به نظر می‌رسد نیفتاده است. وی با بیان اینکه تمام حرف ما این است که لیست املاک واگذارشده را به شورای شهر بیاورند تا پس از بررسی آنها را تایید یا رد بکنیم.»

– وای میدون دوم! تو هم حساسی‌ها! بدبخت سه هزار نفر که سه هزار ملک شهرداری را گرفتند و دارند حالش را می‌برند. تو حسودی بدبخت که چرا به تو ملک ندادند. خاک‌توسرت.

– راست میگي. من خیلی آدم گاو حسودی هستم. فقط نمی‌فهمم چرا هرچی تخویرخور هست توی ایران به عدد سه هزار ربط دارد. مثل اختلاس سه هزارمیلیداری. مثل خورده‌شدن سه دکل. نکته اینها به فیلم ضدایرانی ۳۰۰ رضی داشته باشند؟

– ما نمی‌دانیم.

– درواقع ما الان گونه‌ای از بشر را داریم که حلقه گمشده داروین هستند! گونه‌ای که املاک‌خوار، زمین‌خوار، کوه‌خوار، معدن‌خوار، دکل‌خوار، رانت‌خوار و جنگل‌خوار هستند.

عجایب و غرایب

قرمز برای مرده

● سنت‌های متعدد و عجیب‌وغریبی در جهان وجود دارد که سایت چمدان برخی از آنها را در مطلبی منتشر کرده است. از جمله براساس تاریخ و سنت‌های کره جنوبی، جوهر قرمز برای نوشتن نام مردگان به کار می‌رفته؛ به‌همین‌دلیل است که هنوز است استفاده از جوهر قرمز برای نوشتن نام یک شخص تابو تلقی می‌شود و همه افراد کره جنوبی از جوهر قرمز رنگ فراری هستند! یکی از عجیب‌وغریب‌ترین سنت‌های جهان مربوط به برزلی‌ها می‌شود. جالب است بدانید پسران جوان قوم ساتاره ماهو برای ثابت‌کردن شجاعت و قدرتشان درستانشان را در یک سبید پر از مورچه فرومی‌کنند! این نیش مورچه‌ها واقعا دردناک است. اما این جوانان حاضرند تمام درد آن را تحمل کنند تا به‌عنوان یک پسر شجاع شناخته شوند و مقبولیت اجتماعی پیدا کنند! بی‌خود نیست که این رسم هم به‌عنوان یکی از عجیب‌وغریب‌ترین سنت‌های جهان شناخته شده است! از طرفی میمون‌ها تا حدی برای تایلاندی‌ها مهم هستند که در یک روز خاص در سال برایشان غذاهای متنوعی روی میزهای بزرگ به سبک سلف‌سرویس گذاشته می‌شود تا این میمون‌های خوشبخت تایلندی بتوانند دلی از غذا دریاورند و هرقدر دلشان می‌خواهد، غذا بخورند! در این فستیوال سالانه بیش از سه هزار کیلوگرم میوه و سبزیجات برای پذیرایی از مهمانان در شهر لوبپوری تایلند مصرف می‌شود.

پیشنهاد

دیالکتیک در طبیعت

● **شرق**: دویست و نود و ششمین سمینار ادواری عصب‌پژوهی اجتماعی به «دیالکتیک در طبیعت: دیالکتیک هگلی درباره طبیعت چه می‌تواند بگوید؟» اختصاص دارد. سخنران این نشست دکتر حسام سلامت است. این سمینار روز پنجشنبه، ۳۰ خردادماه، از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۱:۳۰ صبح در سالن کنفرانس بیمارستان ایرانمهر (خیابان شریعتی، دوراهی قلهک) برگزار می‌شود. در پایان نشست نیز صاحب‌نظران و علاقه‌مندان درباره موضوع به بحث و تبادل‌نظر می‌پردازند. ورود برای عموم آزاد است. گفتنی است دکتر عبدالرحمن نجل‌رحیم از جمله پایه‌گذاران سلسله سمینارهای عصب‌پژوهی در ایران است. این سمینارها از سال ۲۴ در ایران با عنوان سمینارهای عصب‌پژوهی آغاز شد و تا به امروز ادامه داشته است. از آنجا که اهمیت بررسی کارکرد اجتماعی مغز در عصب‌پژوهی مدرن به‌طور روزافزونی در حال افزایش است، نام این سمینارها به عصب‌پژوهی اجتماعی تغییر پیدا کرد. به همین دلیل، در سال‌های اخیر تمرکز سخنرانی‌ها بر بعد اجتماعی کارکرد مغز بوده است. این سخنرانی‌ها از سوی متخصصان حوزه‌های مختلف علوم اعصاب و به صورت بینارشته‌ای هر ماه یک بار در بیمارستان شهدای تجریش برای عموم برگزار می‌شده است. البته این سخنرانی‌ها مدتی است در بیمارستان ایرانمهر برگزار می‌شود. امسال این سخنرانی‌ها برای بیست‌وسومین سال متوالی در حال برگزاری است.

روزنامه شتر

سه‌شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۸
۱۴ شوال ۱۴۴۰
۱۸ ژوئن ۲۰۱۹
سال شانزدهم
شماره ۳۴۵۳
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵
اذان مغرب ۲۰:۴۴
اذان صبح فردا ۴:۰۲
طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

► **داریو کاستیلیجوس**



نگاه سبز

کار کمتر، حال کره زمین را بهتر می‌کند!



► **محمد درویش**

کمتر از خدمات و سرویس‌ها استفاده‌کردن و به‌جای آن امورات را خود برعهده‌گرفتن- به‌طور مثال تعمیرات، کار در باغچه، منزل و خدمات اشتراکی- همه می‌توانند کمک کنند تا منابع کمتری مصرف شود. پروفیسر کرومپ-کلب اضافه می‌کند: «ساعت کار بی‌نفسه مهم نیست، سؤال این است که ما در این مدت‌زمان چه کاری انجام می‌دهیم؟» زیرا ما برای محفوظ نگه‌داشتن منابع طبیعی بایست از محصولات پردوام استفاده کنیم و این به آن معناست که به کار دقیق‌تر درواقِع وقت متمرکزتر نیاز داریم. «کاهش ساعات کار هدف نیست، بلکه نتیجه‌ای از محفوظ نگه‌داشتن منابع است. محصولات یک‌بارمصرف درهرحال غیرسازنده هستند. ما می‌توانیم با ملاحظه و وقت فراوان کفش‌های دست‌سازی تولیدکنیم که عمر زیادی دارند و از این طریق به اقلیم آسیب کمتری می‌رسانند.»

به این وصف در صدر سیاهه، محفوظ نگه‌داشتن منابع محدود ماست. اما متأسفانه به‌تحقیق‌رساندن این هدف کار آسانی نیست. خانم کرومپ-کلب می‌گوید:

«سیستم مالی و اقتصادی موجود درحال‌حاضر ضد چنین تغییراتی است». کسانی وجود دارند که از شرایط فعلی بهره می‌برند و حاضر نیستند از امتیازات

کوتاه‌مدت به نفع بقای تمدن در درازمدت چشم‌پوشی کنند. هم‌زمان به گفته ویل استرانگ، مدیر اندیشه‌که بریتانیایی، ضرورت هفته کار کوتاه‌تر مدت‌هاست که

حس می‌شود و حداقل از لحاظ تئوری قابل اجراست. از جمله از طریق تکنولوژی و اتوماتیک‌کردن کار که نیرو و

زمان را کاهش می‌دهد و به همین دلیل نیز اقلیم‌شناس ارتیشی با توجه به بحران اقلیمی تا حدی خوش‌بین است و می‌گوید: «شرایط کاملا نامیدکننده نیست.

پیش‌تر از اینها نیز سیستم‌هایی سقوط کرده با تغییر داده شده‌اند، حتی برخلاف میل و اراده قدرتمندان».

خواننده عزیز روزنامه (شرق)!

چند روز پیش اعلام شد که مرز تخطی زمین در سال ۲۰۱۹ برای نخستین‌بار به ماه جولای - ۲۹ جولای برابر با هفتم مرداد - رسیده است؛ یعنی اینک در کمتر از هفت ماه، جهانیان تولید یک ساله زمین را مصرف می‌کنند که یک فاجعه تمام‌عیار است. روز تخطی زمین امسال ۲۹ جولای خواهد بود. این به آن معناست که بشریت هم‌اکنون ۱.۷۵ بار سریع‌تر از توان احیای اکوسیستم کره خاکی، از طبیعت بهره می‌برد. راهی نمانده جز نقد پندارنیه‌های مکتب نوسازی در جهان سرمایه‌داری. باید بگوئیم به‌جای تولید بیشتر، مصرف را مدیریت کنیم، به‌جای ساخت سدهای بیشتر، کیفیت آب را حفاظت کنیم و به‌جای دست‌کاری زنتیکی محصولات غذایی، دورریز غذا را کاهش داده و ضایعات بخش کشاورزی را به کمتر از پنج درصد برسانیم.

► **بابک زمانی**

► **رئیس انجمن سکنه مغزی**



هر از چند گاهی موضوع توریسم سلامت بر سر زبان‌ها می‌افتد. در اهمیت آن قلم می‌فرسایند و مصاحبه می‌کنند و دایره‌ای و رئیس و معاون و منشی برایش تعیین می‌شود و خلاص. دراین‌باره به چند نکته باید اشاره کرد:

● ابتدا هیچ‌گاه نباید فراموش کرد کل توریسم سلامت متعلق به جهان سوم و بخش‌های خاورمیانه‌ای دنیاست وگرنه توریسم سلامت از استکهلم به فرانکفورت و برعکس قابل تصور نیست. دولت مدرن وظیفه دارد بیشترین منابع مالی را در سلامت شهروندان خود به بهترین نحو هزینه کند.

● آنچه در سال‌های اخیر در کشور ما مشاهده شد، فقط توریسم «سلامت» نبود، بیش از آن و به مرتبه اولی توریسم «زیبایی» یا به بیان محترمانه‌تر، توریسم «گازماتیک» بود. حتی می‌توان گفت کشور ما در آغاز بحران‌هایی که در کشورهای اطراف پدید می‌آمد و بیماران را سرازیر شهرهای پیشرفته‌ای نظیر تهران، تبریز و استانبول می‌کرد، قافیه را به استانبول باخت. ادامه اقبال توریست‌ها به کاشت مو و جراحی بینی و لنزهای چشمی و... هم معلوم نیست تا چه حد مرهون تبحر متخصصان و تا چه حد مرهون اختلاف قیمت دلار است؟

● توریسم سلامت بدون صادرات سلامت به نتیجه نخواهد رسید. بیمارستان ایرانیان دوبی که در سال‌های دور تأسیس شد، نمونه صادراتی طب ایرانی بود. اطمینان زیادی آفرید و تا سال‌ها مُبلِغ توریسم سلامت در ایران بود. همین حالا مراکز بزرگ درمانی اروپا و آمریکا در حال تأسیس شعبات خود در کشورهای عربی هستند و اگرچه موجب توریسم سلامت هم می‌شوند، اما در نهایت با رشد تکنولوژی سلامت

باز هم توریسم سلامت

و اقتصاد سلامت در این کشورها رفته‌رفته توریسم سلامت هم خاتمه خواهد یافت.

● کل پروسه صدور سلامت و توریسم سلامت همه و همه از جنس فعالیت‌های بخش خصوصی است و فقط و فقط با روشنی و شفافیت و اصلاح بسترهای اقتصادی است که می‌تواند به نتیجه برسد. اینجا دیگر نمی‌توان با تأسیس معاونت و افزایش ظرفیت‌های دستیارِی، بسیار بسیار فراتر از امکانات موجود پزشک رایگان فراهم کرد و قطع نظر از کیفیت به موفقیت‌هایی دست یافت.

● سیستمی که فقط در شعار به دنبال طب ارزان بوده، سیستمی که باعث ادغام دانشگاه در سیستم درمان و در نتیجه اضمحلال طب دانشگاهی شده است و آن را مبنای طب ملی می‌دانسته، سودآوری سرمایه در طب خصوصی را به زیان‌دهی آن تبدیل کرده و ازاین‌رو زمینه‌های انحطاط آن را هم فراهم آورده، چگونه است اکنون در پی سودآوری از طریق توریسم سلامت برآمده و شکاف عظیم سیستم اقتصاد

سلامت خود با دنیا را نمی‌بیند؟

● آیا بهتر آن نیست دولت فخیمه کشور بزرگ و تاریخی ما که بخش مهمی از یک حوزه تمدنی را تشکیل می‌دهد، به جای رقابت با دلال‌هایی که روستائیان سلیمانیه و سایر شهرهای کشورهای همسایه را به سودای درمان به کشور ما می‌آورند، به دنبال ارتباط علمی با مجامع پزشکی و انجمن‌های تخصصی کشورهای مجاور باشد و در حد توان خود باعث ارتقا آنها شود و از طریق ارتباطات گسترده علمی بتواند زمینه‌های صدور سلامت از طریق مؤسسات خصوصی در این کشورها را فراهم کند. شاید حضور در یک بازار رقابتی سلامت بتواند سیستم اقتصاد سلامت جاذفاته کشور ما را به ناوگان سیستم سلامت دنیا بازگرداند و نقایض آن را اصلاح کند.

● در یک کلام، مسائلی همچون توریسم سلامت بدون اصلاح ساختارهای اساسی سلامت در کشور ما به سامان نخواهد رسید.

قصه‌های شهر

اندر حکایت میلگرد و نَگ و اجاره



► **گیتی صفرزاده**

روژگار لاکردار - جو‌ری تند تند تغییر می‌کند که معنی هر چیزی در ۲۴ ساعت خلاف خودش می‌شود و چه‌بسا چیزی که تا دیروز مایه فخر و مباهات بود، امروز به نَگ حمام تبدیل می‌شود. مثلاً آن موقع که ما بچه بودیم، می‌گفتند اجاره‌نشینی یعنی خوش‌نشینی و تازه بعدش اضافه می‌کردند اگر صاحبخانه‌تان خوب باشد، بعد از عمری خوش‌نشینی، شما را هم صاحبخانه می‌کند. این روزها اجاره‌نشینی یعنی دیر- با زود حاشیه‌نشین شهر می‌شوی و اگر بگویی صاحبخانه‌ام امسال فقط ۲۰ درصد به اجاره‌خانه‌ام اضافه کرده است، خواهند گفت عجب آدم خوش‌انصافی، از جایتان تکان نخویرد! اگر فکر کردید منظور من از آوردن این مثال فقط اشاره به انفجار قیمت مسکن در ابرشهر تهران و وضعیت هرمیدیل میزان اجاره دریافتی است، هنوز خوب متوجه عمق ماجرا و لایه‌های زیرین کلام نشده‌اید! یک لحظه به این فکر کنید کلمه اجاره در گذشته به چه مواردی نسبت داده می‌شد و این روزها چه شکلهایی پیدا کرده است. قدیم‌ها مردم مسکن و مغازه و درنهایت وسایل زندگی به یکدیگر اجاره می‌دادند؛ کمی بعدتر فهمیدیم بچه‌ها اجاره‌ای هم وجود دارد که به رونق کار تگدی‌گری کمک می‌کند؛

از ماجرای رحم اجاره‌ای هم می‌گذریم که هنوز بر محدود بودن زمین حساس نیست. خانم کرومپ-کلب می‌گوید: «سیستم مالی و اقتصادی موجود درحال‌حاضر ضد چنین تغییراتی است». کسانی وجود دارند که از شرایط فعلی بهره می‌برند و حاضر نیستند از امتیازات کوتاه‌مدت به نفع بقای تمدن در درازمدت چشم‌پوشی کنند. هم‌زمان به گفته ویل استرانگ، مدیر اندیشه‌که بریتانیایی، ضرورت هفته کار کوتاه‌تر مدت‌هاست که حس می‌شود و حداقل از لحاظ تئوری قابل اجراست. از جمله از طریق تکنولوژی و اتوماتیک‌کردن کار که نیرو و زمان را کاهش می‌دهد و به همین دلیل نیز اقلیم‌شناس ارتیشی با توجه به بحران اقلیمی تا حدی خوش‌بین است و می‌گوید: «شرایط کاملا نامیدکننده نیست.

پیش‌تر از اینها نیز سیستم‌هایی سقوط کرده با تغییر داده شده‌اند، حتی برخلاف میل و اراده قدرتمندان».

یک اتفاق واقعی

مُرد، از بس که کودک کار بود

► **میترا امام**

در همین نزدیکی او هم یک کودک کار بود. برای تولدش کسی شادی نکرد. جشن و سوری برپا نبود. اگر کارات واکسیناسیونش را ببینید، تاریخ ۱/۱ را مشاهده می‌کنید. چون فقط سال تولدش را به‌یاد دارند. به دنیا آمده بود تا طعم فقر، گرسنگی، تبعیض و تحقیر را بچشد. فروشونت برایش از خانه شروع شده و در اجتماع گسترش یافته بود.

در کوچه‌راه مهاجرت غیرقانونی از شجاع‌کوه گذشته بود. استخوان‌های کج افرادی را که این حین عبور مرده بودند دیده بود. جمجمه مرده، زن و کودک کابوس‌های شبانه‌اش بود. در نیمه راه برای اینکه کمتر به گروه شک کنند، از



روایت

گزارشی ازرونمایی شماره جدید «زنان امروز»

شاید جامعه زنان ایران

دلش برای بهترشدن نمی‌تپد

آیین رونمایی سسی‌وینچمین شماره مجله «زنان امروز» برگزار شد و در این مراسم آذر تشکر (جامعه‌شناس)، کامبیز نوروزی (حقوق‌دان) و سوسن شریعتی (پژوهشگر) ضمن اشاره به مشکلات زنان در جامعه امروز ایران، مسئولیت مجله «زنان امروز» را در شنیده‌شدن صدای زنان، خطیر ارزیابی کردند.

آذر تشکر فراز و فرود نشریه را در سه دهه بررسی کرد و با اشاره به فلسفه بودن یا نبودن مجله «زنان» تصریح کرد: «تأسف‌بار است که با چنین پرسشی مواجه می‌شویم. امیدوارم رویکرد جدید مجله رویکردی انتقادی باشد، یعنی به نقد خود و نقد اقصاد مرتبط با مجله بپردازد. البته فراموش نکنیم نقد زندگی زنان، به‌ویژه در ساختارهای خاورمیانه‌ای، زمانی معنا می‌یابد که با نقد زندگی مردان همراه باشد و مجله باید این دو را هم‌زمان پیش ببرد».

کامبیز نوروزی، حقوق‌دان، با ارزیابی مثبت عملکرد مجله «زنان امروز» در سال‌های اخیر گفت: «تواضعی که در این مجله می‌بینم، امکان نزدیک‌شدن به سوزِها را برایش فراهم می‌کند. این مجله داعیه رهبری ندارد و در سال‌ها روایتگر خلاق مسائل جامعه زنان بوده است. جامعه زنان در ایران متناسب با نیازهای اجتماعی و قواعد زندگی روزمره توسعه پیدا کرده است. این را می‌توان در تحول نقش زنان - از تغییر ترکیب جرائم زنانه تا افزایش ضریب اشتغال زنان و تعدد دانش‌آموختگان زن - مشاهده کرد».

سوسن شریعتی در سخنانش به رسمیت شناخته‌شدن، نماینده‌داشتن و توضیح دوباره جایگاه خود را از مطالبات اساسی زنان در جامعه امروز ایران برشمرد و گفت: «نکته اصلی این است که چطور می‌توانیم با مبارزه فرهنگی و فکری به این اهداف برسیم. به نظر می‌رسد ابتدا باید تعریف دیگری از زنانگی و مردانگی ارائه دهیم و در تناسب قدرت زنان و مردان ساختار شکنی کنیم. متأسفانه جامعه زنان ایران شاید دلش برای بهترشدن نمی‌تپد. این جامعه از افسردگی، خمودگی، انزوا و تنهایی رنج می‌برد. کار مجله «زنان امروز» تا به امروز ترسیم موقعیت زنان بوده است. مجله این مزیت را دارد که همچون آینه، ما را به خودمان امیدوار کند و هوس بهترشدن را در دل مخاطب بیندازد. این نهاد فرهنگی باید بتواند جامعه متکثر و چندصدایی زنان را نمایندگی کند، صداها و ستم‌های متعدد را منعکس کند و رهایی زنان را بازتاب دهد. باید تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم. ایدئولوژی‌های گذشته نباید مانع تلاش برای ترسیم مطالبات زنان و تبدیل‌کردن آنها به سنت شود. چون ما همچنان در وضعیت اوزرآنسی هستیم و همه افتخارمان این است که توانسته‌ایم در این سال‌ها مطالبات‌مان را از طریق اعتراض‌های زیرپوستی مطرح کنیم. این مقاومت خوب است اما اگر به خواسته‌ها و مطالبات صریح و روشن تبدیل نشود، عملاً یک زیست درجاست و ما را از زندگی اوزرآنسی خلاص نمی‌کند».

شهلا شرکت، مدیرمسئول ماهنامه «زنان امروز»، نیز در سخنانی خبر داد مجله از این پس به سمت روزنامه‌نگاری تحلیلی و تحقیقی خواهد رفت و همچنین گفت تلاش می‌کند در کنار زنان به مسائل و مشکلات مردان نیز بپردازد، زیرا در جهان امروز نمی‌شود یک جنس را به تنهایی دید و برای هر گونه تغییر در مسائل زنان باید کلیشه‌های جنسیتی رایج درباره مردان را نیز از میان برداشت تا آنان بتوانند با زنان تعامل داشته باشند، چنان‌که پروژه‌های مربوط به زنان در دهه اخیر در دنیا بدون دیدن مردان موفقیت چندانی نداشته‌اند.

پیشنهاد

حبیب شعر استارباد

● شماره سیزدهم فصل‌نامه «استارباد» منتشر شد. در شماره بهار ۹۸ این فصل‌نامه فرهنگی، هنری، ادبی و تاریخی که در استان گلستان (سرزمین گرگان)



منتشر می‌شود. آثاری از احمد مسجدجامعی، جمشید قائمی، پرویز رضایی، ایرج تنظیفی، م. مؤید، عبدالرحمن فرقانی‌فر و... را می‌خوانیم. علاوه بر بخش‌های یاد و یادواره، جشن‌نامه، شعر معاصر، داستان، خاطره و گفت‌وگو، در این شماره گزارشی از افتتاح نمایشگاه آثار خوش‌نویسی شاپور اسلامی، یادداشتی درباره توضیح چند مفهوم کلیدی در شاهنامه فردوسی و همچنین گاهی کوتاه به تاریخچه مطبوعات در گنبدقابوس را می‌خوانیم و در بخش پرونده نیز به حبیب‌الله قلیشلی پرداخته شده که تصویری از او با عنوان «حبیب شعر و مدیر دل‌ها» روی جلد مجله آمده است. استارباد در ۱۱۲ صفحه منتشر شده و ۱۲ هزار تومان قیمت خورده است.